انرژی ارزان، اما گران

آیا شایسته است ایران با دو برابر میانگین تابش از انرژی فسیلی استفاده کند؟

رسول اژئیان
استاد سابق دانشگاه علم و صنعت

اگرچه استفاده از انرژی لایزال خورشیدی در ایران با دوهزارو ۴۰۰ ساعت تابش سالانه با شدت تابش ۵.۵ کیلووات ساعت بر مترمربع منطقی‌ترین راه تأمین انرژی کشور محسوب می‌شود، اما دولت‌های ایران از دیرباز تأمین انرژی را بر پایه هیدروکربن‌های فسیلی با ارزش‌افزوده بسیار بالا قرار داده‌اند. با وجود اینکه مصرف سوخت فسیلی عامل آلودگی شدید زیست‌محیطی و منشأ امراض قلبی-عروقی، روحی-روانی، انواع سرطان‌ها و تولید گاز گلخانه‌ای دی‌اکسید کربن است، اما دولت‌ها با ارزان نگه‌داشتن سوخت‌های فسیلی از طریق پرداخت یارانه سنگین مردم را عملا به سمت مصرف فسیلی‌ها ترغیب کرده و می‌کنند. براساس گزارش سازمان ملل ایران با پرداخت سالانه ۸۲ میلیارد دلار (سرانه هر ایرانی یک هزار دلار) عمدتا برای سوخت فسیلی رکورددار پرداخت یارانه‌ای است که عملا عامل کاهش سلامت و رفاه جامعه می‌شود. بنابراین بر مسئولان فرض است که با چرخشی خردمندانه در سیاست انرژی کشور و با منطقی‌کردن قیمت سوخت فسیلی در داخل کشور ضمن مقابله با مصرف بی‌رویه این هیدروکربن‌ها با ارزش‌افزوده بسیار بالا یارانه‌ها را در جهت ارتقای سلامت جامعه و توسعه زیرساخت‌های کشور و اشتغال (به‌خصوص برای جوانان) هزینه کنند که اگر سیاست انرژی به سمت انرژی خورشیدی سوق داده شود، ضمن تأمین ارزان و پاک انرژی کشور کیفیت زندگی مردم و سلامت جامعه هم ارتقا خواهد یافت.

فلات‌قاره ایران با ۳۰۰ روز آفتابی و متوسط هشت ساعت تابش در روز منبع عظیمی از انرژی پاک و ارزان خورشیدی در اختیار دارد که با بهره‌برداری از آن انرژی کشور را بدون آلودگی ناشی از سوزاندن هیدروکربن‌های فسیلی و احتمال خطرآفرین‌شدن نیروگاه‌های هسته‌ای تأمین می‌کنند. میانگین انرژی خورشیدی رسیده به سطح کره زمین در هر ثانیه بین ۲۴۰ تا ۳۰۷ ژول بر مترمربع (بستگی به شرایط اقلیمی) برآورد می‌شود که میانگین شدت تابش خورشید بر فلات‌قاره ایران تقریبا دو برابر و یا بیشتر از میانگین شدت تابش جهانی است و در برخی از مناطق کویری تا سه برابر میانگین جهانی و با دمایی تا ۷۰ درجه (چاله کویر) هم می‌رسد. با این حساب ایران یکی از مستعدترین مناطق دنیا برای استفاده رایگان از این انرژی پاک، بی‌خطر و لایزال است که به غفلت نادیده گرفته می‌شود.

اگر همین ۵.۵ کیلووات بر مترمربع شدت تابش میانگین را در ۹۰ درصد مساحت تحت تابش از ۱.۶ میلیون کیلومترمربع ایران ضرب کنیم، در هر هشت ساعت تابش ۷.۹۲ هزار میلیارد کیلووات ساعت و یا ۲۸.۵ میلیارد گیگاژول (۲۸،۵۱۰۱۸) انرژی خورشیدی به ایران هدیه داده می‌شود. این مقدار انرژی در پنل‌های فوتوولتائیکی سیلیکونی با بازدهی کم ۱۸ درصد به حدود ۵.۱۳ میلیاردگیگاژول (۵،۱۳۱،۰۱۸ ژول) برق پاک قابل تبدیل است. اگر بخواهیم این مقدار انرژی را توسط واحدهای حرارتی فسیلی تولید کنیم، به نیروگاه الکتریکی با توان تولید حدود ۶۰ میلیون مگاوات (۵۹،۴ ۱۰۱۲ وات) با ۲۴ ساعت کار نیاز است که حدود ۹۰۰ برابر توان ۶۵ هزار مگاواتی توان تولید فعلی برق کشور است. البته تولید این مقدار برق خورشیدی عملا غیرممکن است، اما مقدار آن حدود ۶۰ هزار برابر توان تولید اسمی برق (با هزار مگاوات) و ۸۵ هزار برابر توان تولید عملی (با ۷۰۰ مگاوات) نیروگاه اتمی بوشهر است که بلااستفاده هدر می‌روند. این مقدار انرژی را می‌توان به‌صورت حرارتی در کلکتورهای حرارتی و یا پنل‌های فوتوولتائیکی استحصال و استفاده کرد. با سوزاندن هیدروکربن‌های فسیلی در نیروگاه‌های حرارتی و بخاری‌های خانگی و یا در اتومبیل‌ها ضمن آلوده‌شدن محیط زیست با گازهای خطرناک و گلخانه‌ای و نابودی اکسیژن تنفسی انسان‌ها و موجودات زنده ارزش‌افزوده بسیار بالای هیدروکربن‌ها هم هدر رفته و عامل مصرف بی‌رویه این ذخایر استراتژیک فسیلی توسط نسل حاضر و تجاوز به سهمیه نسل‌های آینده کشور می‌شود. چون این هیدروکربن‌ها قابل تبدیل‌شدن به پلاستیک‌ها و نیمه‌رساناهای آلی هستند و با ذخایر رادیواکتیویته کشور به تمام نسل‌های این سرزمین تعلق دارد.

استفاده از انرژی خورشیدی نه مشکل استخراج مواد اولیه و نه برطرف‌کردن پسماند سوخت‌های فسیلی و هسته‌ای و نه مشکلات سیاسی و اجتماعی نیروگاه‌های برق هسته‌ای را دارند. با استفاده از انرژی خورشیدی نیاز انرژی کشور به‌خوبی و ارزان و بدون پسماند و تنش‌ها و دردسرسازی بین‌المللی تأمین و عامل بهبود کیفیت زندگی مردم هم می‌شود.

به عنوان مثال افزایش ۳۵ هزار مگاوات توان تولید انرژی الکتریکی مورد نظر دولت فعلی با پنل‌های خورشیدی با بازدهی ۱۸ درصد با قیمت هر وات حدود ۲۰ سنت به حدود ۲۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذای نیاز دارد که این مبلغ از ۳.۵ ماه یارانه سالانه ۸۲ میلیارد دلاری دولت قابل تأمین است و با توجه به عمر مفید ۲۰ساله نیروگاه‌های خورشیدی با بودجه‌ای معادل ۴.۵ روز از یارانه فوق یعنی هر سال ۱.۱ میلیارد دلار با دوره استهلاک ۲۰ سال است و با یک بار سرمایه‌گذاری این پنل‌ها برق پاک برای ۲۰ سال قابل تأمین است. برای این طرح به مساحتی حدود ۸۴۹ کیلومترمربع نیاز است که آن را می‌توان در مزارع خورشیدی و زمین‌های کوچک نزدیک به مراکز مصرف و یا از طریق صفحات خورشیدی بر سقف مجتمع‌های مسکونی، سالن‌های ورزشی، اماکن اداری و مساجد و خانه‌های مسکونی نصب کرد. به‌عبارتی دیگر این انرژی را می‌توان از تابش خورشید با تعداد زیادی واحدها و زمین‌های دایر و بایر در محل مصرف بدون هزینه انتقال برق و اختلال‌ها در شبکه توزیع تولید کرده و نیاز مردم را بدون هزینه مواد اولیه و آلایندگی و نابودی هیدروکربن‌های فسیلی و اکسیژن تنفسی تأمین کرد.

شدت تابش خورشید در روزهای تابستانی در کویر مرکزی (چاله کویر) ایران تا سه برابر میانگین جهانی و دمایی بالاتر از ۵۰ درجه گزارش شده است. اگر همین شدت تابش متوسط ۵.۵ کیلووات ساعت بر مترمربع را در مساحت ۷۷۶۰۰ کیلومترمربعی کویر مرکزی ضرب کنیم، در هر ثانیه حدود ۱.۵۴ میلیاردگیگاژول انرژی پاک بر آن فرود آمده و بلااستفاده هدر می‌رود. این انرژی عظیم را می‌توان با آبگرمکن‌های خورشیدی استحصال و در بلوک‌های حرارتی ذخیره کرده و یا توسط پمپ‌های گرمایی دمای آن را برای استفاده ژنراتورهای الکتریکی افزایش داده و از آن برق تولید کرد. هر مقدار از وسعت کویر را بتوان با کلکتورهای گرمایی و در حاشیه‌های معتدل و آرام کویر با سلول‌های فوتوولتائیکی پوشاند، ضمن کویرزدایی انرژی قابل ملاحظه‌ای به دست می‌آید.

به نظر نگارنده بهتر است صفحات فوتوولتائیک از خارج خریداری شده و بقیه تجهیزات مانند مبدل‌های برق مستقیم به متناوب (DC to AC)، تابلو برق، پایه‌های پنل‌ها و داربست‌ها در داخل کشور تولید و نصب و نگهداری توسط نیروهای خودی انجام شود که عامل توسعه اشتغال پایدار و کاهش مشکل بی‌کاری مزمن‌شده جامعه ما هم هست. چون به نظر نگارنده در حال حاضر تولید پنل‌های سیلیسیومی به دلیل هزینه هنگفت سرمایه‌گذاری، آلودگی شدید محیط زیست با برخی ترکیبات خطرناک حاصل از احیای مستقیم سیلیس (مانند مونوکسید کربن، دی‌اکسید کربن، دی‌اکسید گوگرد و مونوکسید سیلیسیوم) و همچنین خطر انفجار پاتیل‌های ذوب و خالص‌سازی سیلیکون و یا در احیای سیلیس به روش سیلان‌ها با خروج اسید کلریدریک به اتمسفر به مصلحت شرایط آلوده فعلی ایران نیست.

درحالی‌که ایران بر روی کمربند آفتابی و یکی از مستعدترین مناطق دنیا برای استفاده از انرژی لایزال، پاک و بی‌خطر خورشیدی است، اولویت‌دادن به برق فسیلی آلاینده و خطرآفرین و دردسرساز هسته‌ای خلاف منطق و عقل سلیم و غیرمسئولانه به نظر می‌رسد. یکی از مزیت‌های انرژی خورشیدی بر نیروگاه‌های حرارتی فسیلی و هسته‌ای در امکان نصب واحدهای کوچک بر سقف خانه‌ها و اماکن اداری است. یعنی تولید برق در محل مصرف نیاز مردم را بدون افت ولتاژ و هزینه‌های انتقال برق و بدون حوادث و اختلال در شبکه و احتمال قطع برق تأمین می‌کند و هم عامل مهمی در دفاع غیرعامل خانوارها محسوب می‌شود. با توجه به اینکه براساس آمار کشورهای اروپایی حدود ۴۰ درصد سوخت سالانه در تابستان‌ها برای تأمین آب گرم جهت شست‌وشو و استحمام مصرف می‌شود؛ قسمت اعظم این انرژی را می‌توان با نصب آبگرمکن‌های خورشیدی بر سقف ساختمان‌ها به‌راحتی، ارزان و بدون آلودگی تأمین کرد.

برای افزایش توان تولید این ۳۵ هزار مگاوات برق با نیروگاه‌های حرارتی فسیلی روزانه به سوزاندن حدود ۲۱۰ میلیون لیتر گازوئیل و یا حدود ۲۱۰ میلیون مترمکعب گاز شهری نیاز است که با سوزاندن این مقدار سوخت مقدار گازهای آلاینده و گلخانه‌ای در هوا به‌شدت افزایش می‌یابد. چون برای توان تولید ۳۵ هزار مگاوات برق روزانه حدود ۹۰ میلیون دلار گازوئیل با قیمت هر لیتر ۴۳ سنتی در فوب خلیج فارس در نیروگاه‌های حرارتی سوزانده خواهد شد که فقط هزینه سوخت آن در دوره ۲۰ساله عمر مفید سلول‌های خورشیدی میلیاردها دلار، علاوه بر آلودگی‌های آن، برآورد می‌شود. در این محاسبه هزینه استهلاک ژنراتورهای حرارتی، هزینه انتقال برق به محل مصرف، هزینه سرمایه‌گذاری اولیه نیروگاه‌های فسیلی و دفع پسماندها، هزینه سرویس و نگهداری تأسیسات آنها، حقوق پرسنل و عوارض جانبی هم محاسبه نشده است که پنل‌های فوتوولتائیک اغلب در مرحله بهره‌برداری هزینه‌ای ندارند. همچنین هزینه درمان بیماران مرتبط با آلاینده‌های سوخت‌های فسیلی و سهم ایران از آمار مرگ‌ومیر جهانی در اثر آلودگی هوا هم در نظر گرفته نشده است. با توجه به اینکه از هر لیتر گازوئیل (یا مترمکعب گاز شهری) چهار کیلووات ساعت برق تولید می‌شود، با این حساب قیمت تمام‌شده برق فسیلی نسبت به خورشیدی بسیار گران است. چون هر لیتر گازوئیل در فوب خلیج فارس با حدود ۴۳ سنت نزدیک به ۶۰ برابر قیمت داخلی با ۳۰۰ تومان است و دولت با پرداخت یارانه سنگینی سوخت نیروگاه‌های فسیلی را تأمین می‌کند، اما این ارزانی خود به عاملی برای قاچاق سوخت شده است. علاوه‌براین در نیروگاه‌های کوچک برق خورشیدی بر سقف خانه‌ها عمده هزینه‌های نگهداری و انتقال برق به محل مصرف حذف می‌شود. تولید برق به یک بار سرمایه‌گذاری هوشمندانه دولت و مردم برای صفحات خورشیدی نیاز داشته و هزینه مواد اولیه و برطرف‌کردن پسماند را هم ندارد. ما از کنار آمار روزانه ۵۰ هزار کشته‌های ناشی از آلودگی هوای دنیا، که عمدتا متأثر از سوخت‌های فسیلی است، به‌راحتی و با بی‌توجهی به سلامت جامعه و نهایت بی‌تدبیری می‌گذریم و برای کاهش آلاینده‌های ناشی از سوزاندن هیدروکربن‌های فسیلی اقدامی نمی‌کنیم. چرا؟ با توجه به اینکه ایران با وجود داشتن یک درصد جمعیت جهان، متأسفانه در اثر مصرف بی‌رویه سوخت‌های فسیلی هشتمین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای و دیگر گازهای آلاینده دنیاست. لذا سهم ایران از تعداد کشته‌های آلودگی هوا بیشتر از یک درصد یعنی ۵۰۰ انسان خواهد بود.

مسلما مصرف انرژی عامل پیشرفت و افزایش رفاه اجتماعی شده و خواهد شد، اما این سؤال نیز جایز است که این رفاه به چه قیمتی به دست می‌آید؟ و آیا رفاه بیشتر به قیمت نابودی اکسیژن تنفسی بشر و خاموشی زمین می‌ارزد؟ مثال بشر امروزی مانند فردی است که در اتاق دربسته بدون درز نشسته و از گرم‌شدن با گاز خفه‌کننده مونوکسید کربن خوشش می‌آید که این آسایش، عاملی است برای پایان حتمی او و همچنین پایان حیات در کره خاکی و ما بی‌خیال به مصرف بی‌رویه سوخت‌های فسیلی و نابودی اکسیژن حیاتی و بدون مسئولیت با یارانه دولتی ادامه می‌دهیم. لذا بهتر است یک بار برای همیشه به جای راه‌حل مقطعی و عوام‌پسندانه و مسکن‌های زودبازده جرئت دست‌زدن به یک جراحی نجات‌بخش اما دردآور در سیاست انرژی کشور را فارغ از نظرسنجی‌های انتخاباتی و گرایش‌های سیاسی داشته باشیم و با این نگاه قدم‌های اساسی برای تأمین انرژی کشور همراه با سلامت و نشاط جامعه را برداریم، که هم‌اکنون هم بسیار دیر شده است.

یادداشت

سادوی باگاواتی ساراسواتی*

جان چو دیگر شد جهان دیگر شود

علی نوازنی**

کیمیاسازان گردون را ببین / بشنو از میناگران هر دم طنین

ایجاد تغییر در نگرش برای نیل به زندگی نیکوتر، اعتقاد مشترک میان مکاتب و ادیان مختلف است. اما شناخت فرایند تغییر، اصل آغازین است. در گام نخست باید واقف باشیم آنچه می‌توانیم تغییر دهیم، بسیار محدود است. ما نمی‌توانیم این واقعیت را تغییر دهیم که باران می‌بارد. اما مشکل نفس بارش باران نیست. معضل در ذهن ما است. واکنش ما به باران مسئله‌ای بغرنج آفریده است. درحالی‌که می‌توانیم آن را تغییر دهیم. به همین صورت، در روابط‌مان نیز از این نقیصه متضرر هستیم. خداوند به ما بردباری عطا کرده است تا آنچه را که نمی‌توانیم تغییر دهیم بپذیریم، رشادت و شهامت بخشیده تا چیزهایی را که می‌توانیم، تغییر دهیم و خردمندی ارزانی داشته تا تفاوت‌ها را بشناسیم.

پرسش اینجاست: ما چطور باید چیزهایی که نمی‌توانیم تغییر دهیم را بپذیریم؟ همیشه اشیا و مردمانی پیرامون ما در دنیا وجود دارند که می‌توانند بهتر از این شوند و باشند. اما این ما هستیم که لاجرم باید تصمیم بگیریم که آیا می‌خواهیم دنیا را با چشم خطابین بنگریم یا با چشم خطاپوش؟ چشمانی که مصروف زشتی‌ها هستند؟ یا دیده‌ای معطوف به زیبایی و خشنودی و رضامندی؟ من چطور می‌توانم به کسی که نمی‌خواهد اصلاح شود یاری رسانم؟ شما نباید سعی کنید دیگران را بالاجبار تغییر دهید! اولا اینکه، این کار واقعا امکان‌پذیر نیست. تحول عمقی تنها زمانی اتفاق می‌افتد که آنها تحت تأثیر شما یا آموزه‌های شما یا در ارتباط با عملکرد شما قرار می‌گیرند و خود را تغییر می‌دهند. این تغییر از درون سرچشمه می‌گیرد و اساس تحول بنیادین و پایا این‌گونه است. در غیر این صورت حداکثر تعدیل موقت اتفاق می‌افتد.

اصلا و اساسا، ایجاد تغییر مبتنی بر اجبار و فشار، پاینده نیست. گاه بی‌نتیجه است و گاه نتیجه معکوس دارد. از سوی دیگر، ابرام و پافشاری ما بر چنان تحول مصنوعی ناکارآمدی، باعث رنجش درونی خودمان می‌شود و سد راه کوشایی و کنش‌ورزی ما و توقف آزادسازی ظرفیت‌ها و استعدادهای ما که نیازمند تمرکز و تلاش است. به این معنی است که ما به‌واقع دیگر قادر نیستیم پتانسیل شگفت‌آوری را که در وجودمان نهفته داریم، به ثمر برسانیم. چون ماهیت واقعی رشد و توسعه حقیقی خود را در این تلاش بیهوده و ناسودمند، برای انجام کاری ناممکن منحرف ساخته‌ایم. یکی از اساسی‌ترین زمینه‌های بررسی روان‌شناسی این است که هر زمان که فکر می‌کنیم این شخص نیاز به تغییر دارد و درعین‌حال آن شخص از ما درخواست کمک نکرده است، اولین سؤالی که باید از خودمان بپرسیم این است که آیا واقعا آنها به کمک ما احتیاج دارند، یا موضوع فقط این است که کنارآمدن با سبک متفاوت نگرش و زندگی آنها برای من دشوار است؟ نگریستن به بیرون از خود و ایجاد این داوری که فلان فرد نیاز به تغییر دارد برای ما خیلی آسان‌تر از آن است که به درون خود بنگریم و اذعان کنیم که ما باید با آسان‌گیری افزون‌تر برخورد کنیم و دل‌رحم‌تر باشیم. ضمنا یک نقل‌قول زیبا وجود دارد که می‌گوید: «عصبانی‌شدن از دست دیگران مثل این است که زهر بنوشی و انتظار داشته باشی که دیگری بمیرد!».

به‌جای پیش‌داوری یا قضاوت ناصواب، پذیرش درونی خود را ژرف‌تر گردانیم. زورمندی و اکراه و جبر، به ثمر نمی‌نشیند. الزام ندارد با اشخاصی که سازگار نیستیم، انس پیدا کنیم. اما می‌توانیم با ملاطفت بیشتر و درک بهتر نسبت به جهان‌بینی و رویکرد آنان به زندگی، وضعیت بهتری ایجاد کنیم. مهم‌تر آنکه، تلاش برای رفع نواقص و عیوب خودمان را سرلوحه رفتارمان قرار دهیم و از پرداختن به کاستی‌ها و نارسایی‌های دیگران، بر حذر باشیم. من به شما توصیه می‌کنم: عاشق باشید. وقتی دیگران از شما عشق دریافت کنند، از ارزش‌های رفتاری شما بهتر تأثیر می‌پذیرند. اگر هم توانایی حل‌وفصل معضلات‌شان را نداشته باشید، می‌توانید با اظهار عشق و لطافت، آرامش مناسب به آنها هدیه کنید. تا بتوانند مواجهه بهتری با زندگی داشته باشند. توصیه می‌کنم: همواره صبور باشید. حقیقت آهنرباست. شما در عمل به آن مقید باشید، دیگران خود به خود جذب خواهند شد.

زندگی در سال‌های طلایی عمر

بهترین راه برای زندگی بهینه یک سالمند در سال‌های طلایی عمر چیست؟ در هندوییزم، مراحل مختلفی برای گذران عمر تدوین شده است. فاز نهایی مربوط به سال‌های طلایی عمر است. دوران جوانی را سپری می‌کنیم، تحصیلات‌مان را تکمیل می‌کنیم، خود را در یک مسیر شغلی مطلوب تثبیت می‌کنیم و سپس صاحب خانواده مستقل و عهده‌دار زندگی مشترک می‌شویم. مدت‌ها بعد از آن بازنشسته می‌شویم. تا به فاز نهایی می‌رسیم. ابتدا به نظر می‌رسد باید از تمام شئون دنیای مادی فاصله بگیریم و خود را برای ترک این جهان و ارتباط عمیق با ملکوت و بهسازی روح‌مان با عناصری که جاودانه و فناناپذیر است، آماده کنیم. هرچند این لزوما به این معنی نیست که تماما در امور دنیوی دچار رهاسازی شویم. جدایی از دنیای مادی و اتصال مجدد به دنیای معنوی باید در ذهن و تصمیم و تمرکز ما اتفاق بیفتد. ما اغلب ممکن است در سطح، این گسست را تجربه کنیم. اما این هدف نهایی و غایت مطلوب نیست. ممکن است تمنیات خود را رها کنیم و در یک منطقه دورافتاده و مهجور زندگی کنیم. اما اگر ذهن در تعلقات مانده باشد، اگر هنوز به تعینات اتصال داشته باشیم، عواطف و احساسات ما هنوز درگیر هستند که در این صورت هنوز مهیای بهسازی نیستیم.

استاد سوامیجی می‌گوید فقط همین که یک نفر در یک غار مدیتیشن می‌کند، لزوما به این معنی نیست که از همه علاقه‌ها رها شده است. افراد زیادی در بین مردم زندگی می‌کنند که درواقع خیلی بیشتر از برخی افراد معنویت‌گرا که در یک مکان دورافتاده و مهجور زندگی می‌کنند، آدم‌های معنوی‌تری هستند. وقتی ما به سال‌های طلایی زندگی‌مان می‌رسیم، وظایف دنیایی خود را به‌کلی انجام داده‌ایم و مراحل طبیعی گذران امور را از سر گذرانده‌ایم. اکنون وقت آن رسیده که به خویشتن خویش بازگردیم. مرحله نهایی عمر که به ما زمان و امکان می‌دهد تا توجه و تمرکزمان تماما به سمت خداوند باشد.

در آیین هندو و سنت‌های کهن ما، حکایت شگفت‌آوری وجود دارد. داستان زندگی یک مرید که به همراه مرادش در یک آشرام زندگی می‌کرد. روزی از مراد خویش تقاضا کرد که رخصت دهد تا او بتواند شمایل زندگی عادی مردمان را ببیند و از آن تجربه بی‌نصیب نماند. مرادش اجازه داد و گفت برو به همه مراحل زندگی عرفی بپرداز، اما بعد از ۱۰ سال مجددا به اینجا برگرد. او رفت. اما پس از گذشت ۱۰ سال بازنگشت. تا اینکه روزی مرادش به خانه او رفت. علت تأخیرش را جویا شد. او بهانه آورد که تأمین معاش خانواده بر عهده من است و سزا نیست در این شرایط رهایشان کنم. پنج سال دیگر زمان لازم دارم تا این امور را به سرانجام برسانم. مرادش به‌جای پنج سال به او ۱۵ سال فرصت داد. اما او بعد از آن هم بازنگشت.

در مراجعه مجدد مرادش که علت تعللش را می‌خواست، گفت: نوه‌ها بزرگ شده‌اند و جوانب دیگری بر اداره زندگی سایه افکنده. من پنج سال بیش از این زمان می‌خواهم اما آن هنگام قطعا نزدتان خواهم بود. مرادش از سر مهر، مجددا به‌سوی او بازآمد. اما مشاهده غریبی داشت. او در سگی حلول کرده بود. پاسخ داد کماکان ملزم به محافظت هستم. چندی بعد در ماری حلول کرد که مراقبت از گنجه جواهرات را عهده‌دار بود و... .

پیر دانا به او گفت: می‌بینی؟ پایانی وجود ندارد. تا زمانی که دل‌مشغول تعلقات و تعینات هستی، بهانه‌ها بسیارند. هربار به رنگی و جلوه‌ای و شمایلی. شالوده مراقبه معنوی، چشم‌پوشیدن از تمنیات است! البته در این زمینه، اغلب نوعی بدفهمی اتفاق می‌افتد. بنا نیست بر وظایف‌مان نسبت به خانواده بی‌تفاوت و لاقید عمل کنیم. قرار نیست در برابر جامعه و ساحت زندگی عرفی، بی‌اعتنا و نامنضبط و بی‌مبالات شویم. بلکه در وهله نخست، تصور و نگرشی فراتر لحاظ می‌کنیم. چنانکه در کتاب مقدس اوپانیشاد آمده است: «تمام دنیا یک خانواده است. بزرگوار زندگی کن. ذهنت را تعالی ببخش و از ثمرات آزادی برهمنی لذت ببر». مرحله نهایی زندگی، آن هنگام که منجر به بردگی روح در چنبره تعلقات مادی نشود و با آماده‌سازی جهت نیکوترین سفر، رشد اصیل و حقیقی انسانی ما را رقم بزند، کمال مطلوب است.

* سادوی باگاواتی ساراسواتی، دبیرکل اتحادیه جهانی بین‌الادیانی شورای مشورتی سازمان ملل متحد و عضو هندوی مرکز جهانی ادیان برای صلح
**دانش‌آموخته دکترای جامعه‌شناسی و دین‌پژوه